



بررسی ارتباط ترکیب طبقه اجتماعی و جنسیت با انتخاب واژه در نوشتار دانش آموزان دبیرستانی

اکرم علیجانی^۱، سید بهنام علوی مقدم^۲

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز علوم و تحقیقات- دبیر آموزش و پرورش

۲- عضو هیأت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

چکیده

همه سخنگویان یک زبان توانایی برقراری ارتباط زبانی را با یکدیگر دارند؛ اما هیچ یک از آن‌ها دقیقاً شبیه به هم صحبت نمی‌کنند. برخی از این تفاوت‌ها به دلیل تفاوت جنسیتی، تفاوت در موقعیت اجتماعی افراد و یا موارد دیگر می‌باشد که در انتخاب واژه‌ها توسط گویندگان نمایان می‌شود. در پژوهش حاضر ارتباط میان تنوع به کارگیری واژگان به عنوان متغیر وابسته با در نظر گرفتن متغیر جنس در کنار طبقه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته شده است. گردآوری داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در سطح کتابخانه‌ای، مطالعه پژوهش‌های پیشین و مباحث نظری در این زمینه صورت گرفته و در روش میدانی، داده‌ها از طریق آزمون انشایی که دوست آزمودنی ساکن در مناطق مرکزی شهر تهران در آن شرکت داشتند، گردآوری شده است. آزمودنی‌ها بر اساس طبقه اجتماعی به سه طبقه (بالا، متوسط و پایین) و بر اساس جنسیت به دو گروه (دختر و پسر) دسته‌بندی شده‌اند. طبقه اجتماعی آزمودنی‌ها در پژوهش حاضر، بر اساس تحصیلات والدین آن‌ها تعیین گردیده است. با توجه به یافته‌های محققینی مانند لباو (۱۹۷۲) و برنشتاین (۱۹۷۵) و دیگران به منظور بررسی ارتباط ترکیب دو متغیر طبقه اجتماعی و جنسیت با انتخاب واژه در نوشتار دانش‌آموزان، شاخص‌هایی مانند واژه‌های قرصی، کاربرد گفتار در نوشتار، ضمیر اول شخص مفرد و نیز مجموع واژه‌های استفاده شده توسط آزمودنی‌ها در نظر گرفته شد. با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده و با بهره‌گیری از پایگاه دادگان زبان فارسی در پژوهشگاه علوم انسانی، واژه‌نامه بسامدی تهیه گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS17 صورت گرفت. نتایج حاصل از پژوهش حاضر، حاکی از ارتباط معنی‌دار ترکیب طبقه اجتماعی و جنسیت با واژگان نوشتاری آزمودنی‌هاست.

واژگان کلیدی: طبقه اجتماعی، جنسیت، واژگان، نوشتار، واژه‌های قرص



مقدمه

به گفته باطنی (۱۸:۱۳۵۴) واژگان زبان آئینه فرهنگ مردمی است که آن واژگان را به کار می‌برند... و تا آنجا که تحصیلات نماینده طبقه اجتماعی است؛ نوع گفتار نیز نمایشگر طبقه اجتماعی افراد است. اعضای یک جامعه زبانی، از نظر سن، تحصیلات، ثروت، طبقه اجتماعی، شغل، مقام علمی یا اجتماعی و ... در سطوح اجتماعی متفاوتی قرار دارند و این اختلاف‌ها در مجموعه رفتار اجتماعی و از آن جمله رفتار زبانی آن‌ها انعکاس پیدا می‌کند» (مدرسی، ۱۳۶۸:۱۴۷). بنابراین مطالعه زبان جدا از بافت اجتماعی آن، نمی‌تواند توصیفی همه جانبه و واقعی به دست دهد. از طرفی بررسی تفاوت‌های زبانی در میان طبقه‌های اجتماعی مختلف در کشور ما سابقه چندانی ندارد و مطالعات محدودی در این زمینه انجام شده است؛ لذا در صورت مطالعه دقیق‌تر و در نظر گرفتن متغیرهای متعدد غیر زبانی مانند جنس و طبقه اجتماعی و...، نتایج حاصله می‌تواند برای تجدید نظر اساسی در نظام آموزش و پرورش کشورمان در جهت فراهم آوردن شرایط برابر و عادلانه آموزشی مؤثر واقع شود. به همین منظور در تحقیق حاضر، همبستگی متغیرهای غیر زبانی (جنس و طبقه اجتماعی) با زبان نوشتاری، مورد بررسی قرار خواهد گرفت که از این جهت جنبه نوآوری دارد. در این پژوهش، میزان تحصیلات والدین به عنوان معیار تعیین طبقه اجتماعی در نظر گرفته شده است.

در این زمینه پرسش‌های زیر مطرح می‌باشند:

- ۱- کاربرد انتخاب واژه‌های قرضی در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهر تهران بر حسب طبقه اجتماعی به چه صورت است؟
- ۲- کاربرد گونه گفتاری در نوشتار دختران و پسران بر حسب طبقه اجتماعی به چه صورت است؟
- ۳- کاربرد ضمیر اول شخص مفرد در نوشتار دختران و پسران بر حسب طبقه اجتماعی به چه صورت است؟
- ۴- رابطه ترکیب جنس و طبقه اجتماعی با مجموع واژه‌ها (تعداد واژه‌های مورد استفاده) در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران به چه صورت است؟

فرضیه‌ها

- ۱- کاربرد واژه‌های قرضی در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران در طبقات بالا بیشتر از پسران همان طبقه است.
- ۲- کاربرد گونه گفتاری در نوشتار دختران و پسران بر حسب بالا رفتن طبقه، کاهش می‌یابد.
- ۳- کاربرد ضمیر اول شخص مفرد در نوشتار پسران طبقات بالا بیشتر از دختران همان طبقه است.
- ۴- ترکیب جنس و طبقه اجتماعی با مجموع واژه‌ها (تعداد واژه‌های مورد استفاده) در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران رابطه مستقیم دارد.

روش تحقیق: رساله حاضر از نوع مطالعات همبستگی و گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است، در سطح کتابخانه‌ای، گردآوری و مطالعه ادبیات نظری و پژوهش‌های پیشین صورت گرفته است و در سطح



میدانی، داده‌های مورد نیاز از طریق آزمون انشا به دست آمده است. تهمی دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه در مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در طرح نمونه‌گیری مورد استفاده قرار گرفته است. مدرسه انتخابی در طبقات نمونه‌گیری از نوع دولتی و رشته تحصیلی علوم تجربی در پایه تحصیلی دوم و سوم می‌باشند. حجم نمونه ۲۰۰ دانش‌آموز است که از طریق در نظر گرفتن خط فرضی مرکزی در امتداد شرق و غرب تهران، دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه واقع در این محدوده به صورت تصادفی انتخاب شدند. در محدوده خط فرضی سه منطقه آموزش و پرورش (مناطق ۱۱، ۷ و ۱۳) به روش تصادفی ساده و به صورت قرعه‌کشی بدون جایگزینی انتخاب شدند. یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه در هر کدام از سه منطقه مذکور باز هم به روش تصادفی ساده و قرعه‌کشی بدون جایگزینی انتخاب گردید. سه طبقه اجتماعی بالا، میانی و پایین با توجه به میزان تحصیلات والدین آزمودنی‌ها انتخاب شدند. با احتساب نمونه‌های حذفی، در نهایت ۵۰ نفر نمونه تحقیق را تشکیل داده‌اند. اولین مرحله در انجام پژوهش میدانی، جمع‌آوری داده‌های واژگانی بود که از طریق معرفی یک موضوع به دانش‌آموزان دختر و پسر در جامعه نمونه آماری برای نوشتن انشا صورت گرفت. پس از جمع‌آوری انشاها با مراجعه به پایگاه داده‌های زبان فارسی، واژه‌نامه بسامدی تهیه گردید. این پایگاه مجهز به نرم‌افزارهای اختصاصی جستجو، تقطیع و تحلیل متن است که می‌تواند انواع فهرست‌های واژگانی، بسامدی و آماری را ارائه دهد. پایگاه مذکور در ایران از سال ۱۳۷۲ با سرپرستی و طراحی مصطفی عاصی در پژوهشگاه علوم انسانی، راه‌اندازی شده است. پیکره زبانی که در بررسی حاضر برای استخراج واژگان در نظر گرفته شده است؛ به گونه‌ای آماده‌سازی شد که واژگان آن بر اساس متغیرهای مورد بررسی دسته‌بندی شوند. هر یک از انشاهای تشکیل دهنده پیکره بر پایه مشخصات شناخته‌شده‌ای هر متن کدگذاری شدند و واژه‌نامه بسامدی به تفکیک طبقه اجتماعی و جنسیت آزمودنی‌ها تهیه گردید. آمار استخراج شده در تحقیق حاضر از نوع آمار استنباطی می‌باشند؛ تجزیه و تحلیل آماری با کمک روش‌های آمار توضیحی نظیر تعیین بسامد واژه‌ها، محاسبه مجموع آن‌ها، تهیه جداول مربوط به شاخص‌های مورد نظر و با استفاده از نرم‌افزار SPSS17 صورت گرفت. برای بررسی پرسش‌های تحقیق از آزمون کای دو (X²) استفاده شد.

پیشینه تحقیق

موضوع تفاوت گفتار زن و مرد از مدت‌ها پیش مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات زبانشناسی مانند یسپرسن^۱ (۱۹۲۲)، هاس^۲ (۱۹۶۴)، لباو^۳ (۱۹۶۶؛ ۱۹۷۲)، ساپیر^۴ (۱۹۶۷)، و لفرام^۵ (۱۹۶۹)، ترادگیل^۶ (۱۹۷۲)، لیکاف^۷ (۱۹۷۵)،

۱- O. Jespersen

۲- M. Hass

۳- W. Labov

۴- E. Sapir



براون^۷ (۱۹۸۰)، اسمیت^۹ (۱۹۸۵)، تانن^{۱۰} (۱۹۹۵)، اسپولسکی^{۱۱} (۱۹۹۸)، وارداف^{۱۲} (۲۰۰۶)، براون و همکارش (۲۰۰۸)، ناپلی^{۱۳} و همکارش (۲۰۱۰) و نیز پژوهشگران ایرانی از جمله مدرسی (۱۳۶۸) و داوری اردکانی (۱۳۸۷) و پایان نامه‌های دانشجویی که در زمینه رفتار زبانی مردان و زنان مطالعه داشته‌اند، از جمله عاملی موسوی (۱۳۶۸)، عسگری (۱۳۷۵)، مهدی‌پور (۱۳۷۸)، جان‌نژاد (۱۳۸۰)، نقش تبریزی (۱۳۸۱)، شکیبا (۱۳۸۲)، اخوان (۱۳۸۴)، رهبر (۱۳۸۴)، کره‌ئی (۱۳۸۵) و عسگری (۱۳۸۸) همگی وجود تفاوت در رفتار زبانی مردان و زنان را تأیید کرده‌اند. به‌طور کلی، رفتار زبانی زنان را از آن جهت که عمدتاً جایگاه اجتماعی پایین‌تری نسبت به مردان دارند دارای دو ویژگی کلی زیر می‌دانند:

ویژگی نخست: عدم اطمینان و اعتماد به نفس در رفتار زبانی:

یسپر سن (۱۹۲۲) و هاس (۱۹۶۴) معتقدند که زنان در انتخاب واژگان، محافظه‌کارتر از مردان عمل می‌کنند. براون (۱۹۸۰)، عاملی موسوی (۱۳۶۸) و اخوان (۱۳۸۴) نیز به استفاده از ادات تقویت و تضعیف‌کننده توسط خانم‌ها اشاره می‌کنند.

ویژگی دوم: تلاش برای جلب توجه و بالا بردن جایگاه اجتماعی:

در ارتباط با این ویژگی، استفاده از الگوهای نحوی، داشتن تخصص در حسن تعبیر در رفتار زبانی زنان توسط لیکاف (۱۹۷۵) و ترادگیل (۱۹۷۲) مطرح شده است. براون (۱۹۸۰) و اسمیت (۱۹۸۵) و ... معتقدند که خانم‌ها نسبت به آقایان از الگوهای مؤدبانه‌تری استفاده می‌کنند؛ همچنین استفاده از گونه رسمی‌تر و معتبرتر توسط خانم‌ها از سوی ولفرام (۱۹۶۹)، ترادگیل (۱۹۷۲)، لباو (۱۹۶۶) و لیکاف (۱۹۷۵) مطرح شده است و یسپر سن (۱۹۲۲)، ناپلی و همکارش (۲۰۱۰) معتقدند که دشواری‌ها بیشتر در رفتار زبانی مردان مشاهده می‌شود.

تحقیقات کمرون (۱۹۸۵: ۷-۴) نشان می‌دهد که تلفظ زنان نسبت به مردان هم سطح خود، به گونه معیار بسیار نزدیک است. وی به حقارت زنان و به عبارت دیگر، برتری مردان تأکید دارد.

-
- ۵- W. wolfram
 - ۶- Trudgill
 - ۷- R Lakoff
 - ۸- P. Brown
 - ۹- P. Smith
 - ۱۰- D. Tannen
 - ۱۱- B. Spolsky
 - ۱۲- R. Wardhaugh
 - ۱۳- Donna Jo Napoli



اسپولسکی با اشاره به قدرت تصور قالبی^{۱۴}، معتقد است که با گذشت زمان و رشد آگاهی اجتماعی، تلاش زیادی توسط زنان در جهت غلبه بر استفاده کلیشه‌ای و قالبی خود از زبان صورت گرفته است (اسپولسکی، ۱۹۹۸).

همان‌طور که ریتزر (۱۳۸۲) معتقد است، مضمون اصلی ادبیات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در دوران معاصر، ناشی از وجود تفاوت در شکل کلی زندگی روحی و درونی زنان و حیات روحی مردان است. وی (۱۳۸۲: ۴۷۱) بیان می‌دارد که زنان از جهت ارزش‌های بنیادی، شیوه داوروی‌های ارزشی، ساخت انگیزه‌های دستاوردی، خلاقیت ادبی، تفنن‌های جنسی، احساس هویت و از نظر فراگردهای کلی آگاهی و ادراک خود درباره ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند. مضمون دوم این است که شکل کلی روابط زنان و تجربه‌های زندگی‌شان شکل متمایزی است. زنان با فرزندان خودشان، رابطه‌ای متفاوت از مردان برقرار می‌کنند؛ پسران و دختران آشکارا سبک‌های بازی متفاوتی دارند و زنان بزرگسال با خودشان به شیوه‌های منحصر به فردی رابطه برقرار می‌نمایند.

شیوه‌های گوناگون سخن گفتن مردان و زنان در ایالات متحده، تحت شش عنوان زیر توسط دونا جوناپلی و همکارش خلاصه شده است:

- ۱- مردان بیش از زنان سخن جنس مخالف خود را قطع می‌کنند.
 - ۲- مردان از موضوع مکالمه که زنان در آغاز گفتگو عنوان می‌کنند غافل می‌شوند.
 - ۳- کاربرد صحیح و بجای افعال توسط زنان بهتر از مردان صورت می‌گیرد.
 - ۴- مردان از دشنام‌ها و واژه‌های بی‌ادبانه بیشتر از زنان استفاده می‌کنند؛ در حالی که زنان از عبارات‌های عذر خواهی و تردیدنماها بیشتر استفاده می‌کنند.
 - ۵- مردان بیش از زنان از صورت‌های غیرمعتبر استفاده می‌کنند.
 - ۶- نوآوری مردان در زبان بیش از زنان است و مردان راحت‌تر و با آمادگی بیشتری تغییرات زبانی را می‌پذیرند.
- سه ادعای نخست که در مورد رفتارهای تعاملی در یک گفتگو هستند، بسیار بحث برانگیز و قابل چالش می‌باشند؛ چرا که در یک مکالمه تک‌جنسی^{۱۵} اگر یک طرف مکالمه نسبت به دیگری قدرت بیشتری داشته باشد، نیز چنین ویژگی‌هایی مشهود است. به عبارت دیگر مسئله قدرت در این سه ادعا تعیین‌کننده است نه جنسیت. در مورد ششمین مورد از موارد بالا نیز ناپلی و همکارش معتقدند که نوآوری در زبان توسط زنان بیشتر است؛ چرا که زنان از آن جهت که تلاش دارند خود را باهوش و متعلق به طبقه اجتماعی-اقتصادی بالاتری نشان دهند، آمادگی و تمایل بیشتری برای نوآوری در زبان دارند. از نظر آن‌ها، شش ادعای مذکور بیشتر وابسته به عوامل اجتماعی هستند تا زبانی؛ بنابراین نمی‌توان در مورد همه مردان و زنان چنین تعمیم‌هایی ارائه داد. (ناپلی و همکارش، ۲۰۱۰)
- نگارندگان با توجه به مطالب بالا در زمینه ویژگی‌های گفتار زنان، نتیجه می‌گیرند که اساساً تفاوت رفتارهای زبانی زنان و مردان ناشی از این است که زنان بیشتر از مردان نسبت به مقام و منزلت خود آگاه هستند و نسبت به متغیرهای زبانی

^{۱۴} - stereotype
^{۱۵} - single-sex



وابسته به طبقه اجتماعی حساسیت بیشتری دارند. شاید استفاده زنان از ساختارهای زبانی که نه‌تر، خالص‌تر و مؤدبانه‌تر و نیز تلاش آنان برای انتقال اهمیت گفته خود به مخاطب به دلیل حساسیت بیشتر آن‌ها به هنجارهای اجتماعی باشد و همان‌طور که لیکاف (۱۹۷۵) معتقد است اکثر این تفاوت‌ها، انعکاس‌دهنده روابط فرهنگی جامعه است. علاوه بر این مطالعات گسترده‌ای در زمینه تفاوت‌های زبانی و رابطه آن با طبقه اجتماعی افراد صورت گرفته است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ولف‌رام (۱۹۶۹) طی تحقیقاتی تفاوت‌های نحوی بین گفتار دو جنس را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی درمی‌یابد که مردان به خصوص در میان طبقات پایین‌تر اجتماع، بیش از زنان هم طبقه خود، خوشه‌های هم‌خوانی پایانی را که نقش دستوری دارند، ضعیف یا حذف می‌کنند. هنریتا سدرگرن^{۱۶} در سال ۱۹۷۰ توزیع پنج متغیر زبانی در مقابل چهار گروه اجتماعی - اقتصادی را بررسی کرد. وی پی برد که برگشتگی و سایشی‌شدگی [C] تغییرات سریعی را در این فرایند نشان می‌داد، در حالی که دیگر متغیرها نشان از توزیع نسبتاً ثابتی در سطوح سنی مختلف داشت (لباو، ۱۹۷۲).

رابین^{۱۷} پرسشنامه‌ای را برای انجام پژوهش خود در انتخاب زبان در کشور پاراگوئه^{۱۸} به کار برد. وی تحقیق خود را در یک شهر کوچک و نیز در یک شهر بزرگ از این کشور انجام داد. با توجه به داده‌ها و مشاهدات به عمل آمده، وی متوجه شد که انتخاب زبان اسپانیایی یا گارانی^{۱۹} به یک سری عوامل موقعیتی بستگی دارد. مثلاً یک متکلم دو زبانه در محیط‌های روستایی زبان گارانی صحبت می‌کند؛ اما در موقعیتهای رسمی زبان اسپانیایی را انتخاب می‌کند (فسولد^{۲۰}، ۱۹۸۴).

باسیل برنشتاین (۱۹۷۵)، فیلسوف و جامعه‌شناس انگلیسی تحقیقات وسیعی در ارتباط با رابطه میان طبقه اجتماعی و نوع زبان اکتسابی کودک انجام داده است، وی بر این باور است که طبقه اجتماعی پایین دارای گونه زبانی محدود^{۲۱} و طبقه اجتماعی بالا دارای گونه زبانی گسترش یافته^{۲۲} است. وی معتقد است که به خاطر ادراک متفاوتی که کودکان این دو طبقه متفاوت اجتماعی (پایین و بالا) به واسطه نوع گونه زبانی‌شان از موضوعات مختلف دارند، در نتیجه یادگیری آنها هم در این گروه‌ها متفاوت است (سادونیک، ۲۰۰۲). ویلیام لباو^{۲۳} نیز برای نخستین بار به شیوه‌ای علمی و دقیق همبستگی میان زبان و طبقه اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. وی در ادامه تحقیقاتش، رابطه زبان را با متغیرهای اجتماعی مختلفی مانند جنسیت، سن، طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات به بوته آزمایش گذاشته است.

از جمله پژوهش‌هایی که لباو در این زمینه انجام داده است، بررسی درصد کاربرد /t/ به جای /θ/ (در واژه‌هایی مانند thing و through) در گفتار محاوره‌ای یا غیر رسمی طبقات پائین، کارگر، متوسط پائین و متوسط بالا در شهر

- H. Cedergren^{۱۶}
 - Rubin^{۱۷}
 - Paraguay^{۱۸}
 - Guarani^{۱۹}
 - Fasold^{۲۰}
 - restricted code^{۲۱}
 - elaborated^{۲۲}
 - W. Labov^{۲۳}



نیویورک می‌باشد. لباو در تحقیقی دیگر در سال ۱۹۷۲ به بسامد بالای کاربرد ناسزاهای او باش خیابانی از سوی جوانان می‌پردازد و معتقد است که جوانان استفاده از این قبیل اصطلاحات را نشانه صمیمیت با یکدیگر می‌دانند (لباو، ۱۹۷۲). بنابراین، همانطور که لباو معتقد است موقعیت شغلی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی در گونه گفتاری تأثیر دارد.

لباو در کار خود، مسائل روش‌شناسی تحقیق را مطرح می‌کند و پژوهش‌های او زاینده جریانی بود که به «زبان‌شناسی تنوع‌گرا» معروف است (کالوه: ترجمه پوینده، ۱۳۷۹).

پژوهش‌های ترادگیل (۱۹۷۲) نشان داد که طبقه‌های اجتماعی بالاتر، حساسیت بیشتری نسبت به رفتار زبانی خود دارند و به همین دلیل گرایش بیشتری نسبت به استفاده از صورت‌های معتبر زبانی نشان می‌دهند. در نتیجه، ویژگی‌هایی که از اعتبار کمتری برخوردارند، در گفتار آن‌ها کمتر به چشم می‌خورد. بررسی او در زمینه جنسیت، سبک و طبقه‌بندی اجتماعی، به طور کلی حاکی از آن بود که در شهر نوریچ، در تمام موردها، زنان نسبت به مردان از لحاظ زبانی برترند. ترادگیل در این مقاله (۱۹۷۲) یکی از علل جاذبه فرهنگ و گفتار طبقه کارگر برای طبقه متوسط را حاکمیت زنان در مدارس ابتدایی در انگلستان می‌داند. ارزش‌های زنانه‌ای چون سکوت، مرتب و تمیز، خوش‌خط بودن و ... در این مدارس مورد تأکید قرار می‌گیرد (ترادگیل، ۱۹۷۲).

الیزابت گوردن (۱۹۹۷) نیز در تحقیق خود درباره زبان انگلیسی، به بررسی رابطه بین زبان و جنسیت و طبقه اجتماعی پرداخته است. وی معتقد است که زنان با به کار بردن گونه‌های زبانی معتبرتر نمی‌خواهند بهتر از آنچه که هستند به نظر بیایند؛ بلکه می‌خواهند از دید منفی عموم که برخی رفتارهای زبانی و اجتماعی را مختص اقشار پائین جامعه می‌دانند در امان بمانند (گوردن، ۱۹۹۷).

طبق پژوهش انجام شده توسط اکرت^{۲۴} (۲۰۰۰) در حومه شهر دیترویت، میزان همبستگی کاربرد زبان با مقوله‌های اجتماعی به مراتب بیشتر از همبستگی با جایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین می‌باشد (کارمن^{۲۵}، ۲۰۱۱). برخی از پژوهش‌های مرتبط انجام شده در ایران نیز بدین شرح است:

پژوهش مشترکی از جهانگیری و ریچارد هادسن (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که سخنگویان دارای تحصیلات کم‌تر، تفاوت‌های گفتاری بیشتری نسبت به سخنگویان دارای تحصیلات بالاتر دارند و درصد کاربرد گونه معیار توسط سخنگویان دارای تحصیلات بالاتر بیشتر است؛ در حالی که سخنگویان دارای تحصیلات پائین، گونه غیر معیار را با درصد بالاتری به کار می‌برند.

مدنی (۱۳۷۸) در رساله کارشناسی ارشد خود توزیع یازده متغیر آوایی را در سه گروه سنی جوان، میان‌سال و مسن و دو طبقه اجتماعی بالا و پائین بررسی کرده است. وی به این نتیجه رسیده که عامل جنسیت نیز در ایجاد تنوعات زبانی مؤثر است.

- Eckert^{۲۴}
- Carmen^{۲۵}



مهدی پور (۱۳۷۸) ضمن بررسی سه عامل جنسیت، سن و تحصیلات و تأثیر آن‌ها بر گفتار به این نتیجه رسیده است که گفتار زنان در کل از قطعیت کمتری نسبت به گفتار مردان برخوردار است. همچنین مشاهده کرده که تأثیر عامل سن و تحصیلات در ایجاد تفاوت‌های گفتاری در میان زنان بیش از مردان و سرعت گفتار و تراکم واژگان در گفتار زنان بیش تر از مردان است. علاوه بر این، در ارتباط با تحصیلات بیان داشته است که گفتار افراد متعلق به گروه تحصیلی پایین تر از قطعیت کمتری نسبت به گفتار افراد متعلق به گروه تحصیلی بالاتر برخوردار است.

شاه ناصری (۱۳۸۱) در پایان نامه خود، به بررسی هنجارهای واژگانی در تعاملات کلامی دختران نوجوان پرداخته است. وی بیان می‌دارد که طبقه اجتماعی بیش از عوامل دیگری چون سن و تحصیلات در به کارگیری صورت‌های جدید گونه زبانی محاوره‌ای مردانه تأثیر گذار است و دختران طبقه بالا بیش تر از دختران طبقه پایین از صورت‌های جدید واژگان گونه محاوره‌ای مردانه استفاده کرده‌اند.

کیقبادی امیری (۱۳۸۵) نیز با در نظر گرفتن متغیرهای غیرزبانی سن، جنسیت، موقعیت اجتماعی، تحصیلات، جغرافیا و شغل به بررسی واژه‌هایی پرداخته است که به عنوان زبان مخفی توسط جوانان به کار می‌رود. نتیجه‌ای که وی بدان رسیده این است که جوانان متعلق به طبقه اجتماعی پایین تر و افراد دارای اقتصاد ضعیف تر، بیش تر از این واژه‌ها استفاده می‌کنند و هرچه میزان تحصیلات افراد بیش تر باشد، گرایش آن‌ها نسبت به کاربرد این واژه‌ها کم تر است. در مورد جنسیت نیز مشخص شده که پسران تمایل بیش تری به کاربرد این واژه‌ها دارند و میزان آگاهی آن‌ها از معانی مختلف این واژه‌ها بیش از دختران است.

همان‌طور که در تمامی پژوهش‌های مذکور مشاهده شد، پژوهشگران از شیوه‌های متفاوتی در طی مطالعات خود استفاده کرده‌اند. در تحقیقات افرادی مانند لباو (۱۹۶۶) و ترادگیل (۱۹۷۴) گرایش محققین به انتزاعی بودن سطح بین بافت اجتماعی و ساختارهای اجتماعی در موارد مورد بررسی، کمتر شده و توجه آنان به فعالیت‌های محلی افراد معطوف شده است. چنین به نظر می‌رسد که تحقیقات اخیر ایرانیان نظیر پایان نامه کیقبادی امیری (۱۳۸۵) که بیشتر آورده شد، حاکی از پرداختن به بررسی نحوه ترکیب ویژگی‌های زبانی توسط سخنگو به منظور کاربرد شیوه‌ها و سبک‌های مختلف در سخن گفتن، در پژوهش‌های مرتبط با زبان فارسی است. از آنجا که بیشتر مطالعات این حوزه فقط در مورد یک زبان یعنی انگلیسی انجام شده‌اند، مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی در سایر زبان‌ها و از جمله زبان فارسی نیز با الگوبرداری صرف و بدون هرگونه بومی سازی با بافت فرهنگی مرتبط انجام شده است.

در تحقیق حاضر به منظور بررسی ارتباط میان متغیرهای غیر زبانی جنسیت و طبقه اجتماعی با زبان نوشتاری شاخص‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

واژه‌های قرصی: شقاقی (۱۳۸۷) واژه را عنصری می‌داند که در ساخت گروه استفاده می‌شود و به پدیده‌ای خیالی، واقعی، مادی یا انتزاعی در جهان خارج دلالت می‌کند. وی بیان می‌دارد که واژه واحدی انتزاعی است که معنا یا نقش دستوری دارد و واژه را به انواع بسیط و غیر بسیط تقسیم کرده است. لاینز (۱۹۶۸) واژه را یک واحد معنایی خاص تعریف کرده که دارای مجموعه‌ای از آواهای زبان می‌باشد و نقش دستوری خاص خود را دارد. در تحقیق حاضر، واژه



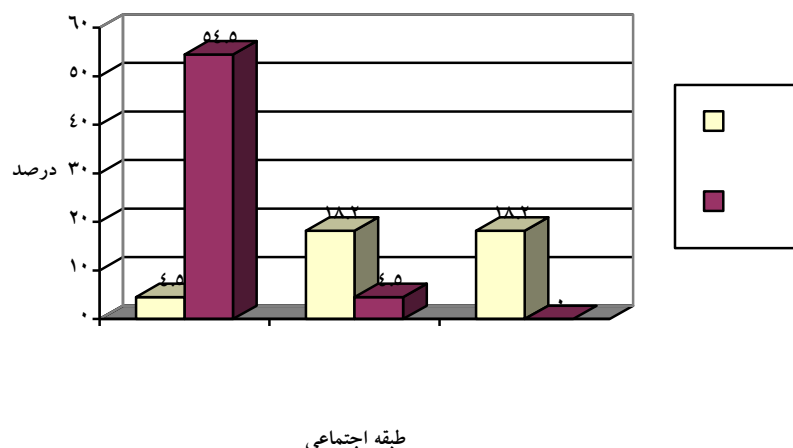
بر اساس تعریفی که لاینز مطرح کرده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. گویشوران زبان‌های گوناگون به دلایل گوناگونی از قبیل مسافرت، تجارت، تحصیل، جهان‌گشایی و ... در ارتباط با گویشوران زبان‌های دیگر بوده و به ناچار، به ترجمه و یادگیری آن زبان‌ها روی آورده‌اند (شقایق، ۱۳۸۷). گویشوران زبان فارسی نیز از این ویژگی مستثنی نیستند و واژه‌های قرضی فراوانی، هم در گونه نوشتاری و هم در گونه گفتاری مورد استفاده گویشوران فارسی زبان قرار می‌گیرد. در میان آزمودنی‌ها در تحقیق حاضر نیز واژه‌های قرضی مورد استفاده طبق نمودار و جدول زیر مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱: نتایج آزمون کای دو برای مقایسه نسبت واژه‌های قرضی مورد

استفاده بر حسب طبقه اجتماعی و جنسیت	Value	درجه آزادی	P-Value
مقدار شاخص کای دو پیرسون	۱۴/۸۷۲	۲	۰/۰۰۱

واژه‌های قرضی، درصد واژه‌های انتخاب شده در

نمودار ۱: درصد واژه‌های قرضی بر حسب طبقه اجتماعی و جنسیت



ترکیب جنس و طبقه اجتماعی متفاوت است ($P < 0/05$) و در نتیجه در مورد این دسته از واژه‌ها، ترکیب جنس و طبقه اجتماعی با رفتار زبانی انتخاب واژه در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دبیرستانی تهران رابطه دارد. طبق آن چه در نمودار (۱) نمایان است، دختران متعلق به طبقه پایین بیش از سایرین از واژه‌های قرضی استفاده کرده‌اند؛ اما پسران طبقه بالا از دختران هم طبقه خود در کاربرد واژه‌های قرضی پیشی گرفته‌اند. بر اساس آن چه تحقیقات گذشته نشان می‌دهد تمایل مردان برای نوآوری و جایگزین و یا عوض کردن کلمات بیشتر از زنان است و از طرفی برخی از محققان از جمله



مک کالی (۱۹۷۸) معتقدند که گفتار زنان در هر طبقه اجتماعی به گفتار مردان طبقه بالاتر نزدیک است. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که گفتار زنان طبقه پایین باید به گفتار مردان طبقه متوسط نزدیک باشد؛ اما نتایج موجود در جدول (۱) این امر را تأیید نمی کند. این در حالی است که ناپلی و همکارش (۲۰۱۰) معتقدند که نوآوری در زبان توسط زنان بیشتر است؛ چرا که زنان از آن جهت که تلاش دارند خود را باهوش و متعلق به طبقه اجتماعی - اقتصادی بالاتری نشان دهند، آمادگی و تمایل بیشتری برای نوآوری در زبان دارند. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر دختران طبقه پایین، با اختلاف فاحشی از سایر آزمودنی ها از واژگان قرضی در نوشتار خود بهره گرفته اند، می توان این نتیجه را شاهدهی برای تأیید دیدگاه ناپلی و همکارش آورد. به همین دلیل است که دختران طبقه بالا که موقعیتی محکم و ثابت در اجتماع دارند و نیازی به تثبیت موقعیت اجتماعی خویش ندارند، محافظه کارتر عمل کرده و کمتر از واژه های قرضی در نوشتار خود استفاده کرده اند.

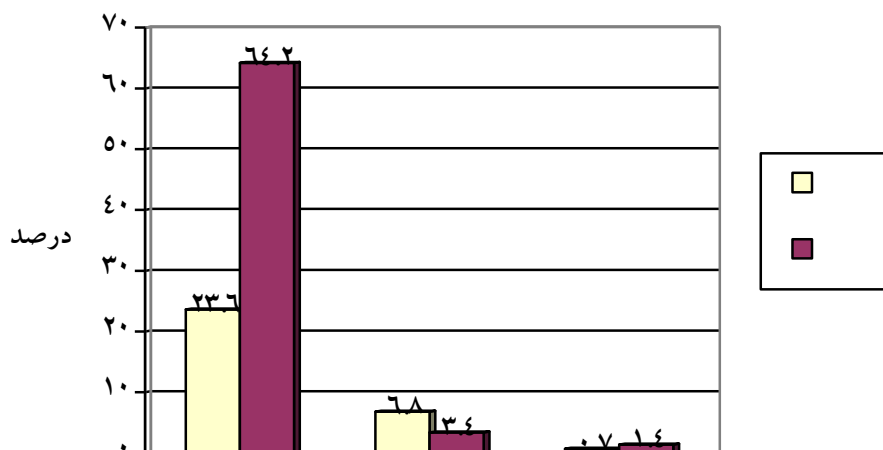
کاربرد گفتار در نوشتار: اعضای هر جامعه زبانی دارای گنجینه زبانی هستند که گونه های سبکی مختلف در آن جای دارند و هر یک از این گونه ها در بافت ها و شرایط معینی به کار گرفته می شوند. و سیله بیان به صورت گفتاری یا نوشتاری از جمله این گونه ها محسوب می شود. به عنوان مثال، در فارسی شناسه های صرفی رسمی و غیر رسمی مختلفی وجود دارند که به هنگام صرف افعال و بر حسب موقعیت اجتماعی ارتباط، می توان از آن ها سود جست؛ مثلاً فارسی زبانان، در یک موقعیت و بافت معین، از یکی از سه شناسه /-i/ (غیر رسمی)، /-in/ (محتاطانه) و /-id/ (رسمی) برای دوم شخص مفرد استفاده می کنند؛ مثلاً برای فعل «رفتن» سه صورت صرفی غیر رسمی /rafti/، محتاطانه /raftin/ و رسمی /raftid/ در دوم شخص مفرد وجود دارد. برخی از افعال پر کاربرد فارسی نیز دارای ستاک های رسمی و غیر رسمی مختلفی هستند که در گونه های سبکی مناسب با یک موقعیت اجتماعی، به کار گرفته می شود. مثلاً فعل «می روم» در ستاک های رسمی /miravam/ و غیر رسمی /miram/ ظاهر می شوند. (آزمودنی های تحقیق حاضر نیز از این نمونه ها در انشاهای خود استفاده کرده اند.) در نوشتار که توجه بیشتری به زبان می شود، میزان نسبی کاربرد ویژگی های زبانی معتبر بیشتر است. کاربرد گونه گفتاری، در نوشتار از ویژگی های غیر معتبر به شمار می آید (مدرسی، ۱۳۶۸). در جدول زیر آزمون کای دو در ارتباط با شاخص کاربرد گفتار در نوشتار آمده و سپس نمودار آن ترسیم شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون کای دو برای مقایسه نسبت واژه های گفتاری در نوشتار بر حسب طبقه اجتماعی و جنسیت

	Value	درجه آزادی	P-Value
مقدار شاخص کای دو پیرسون	۹/۹۲۴	۲	۰/۰۰۷



نمودار ۲: درصد واژه‌های گفتاری در نوشتار بر حسب طبقه اجتماعی و جنسیت



طبقه اجتماعی

بر اساس نتایج آزمون در جدول (۲) برای کاربرد واژه‌های گفتاری در نوشتار، درصد واژه‌های انتخاب شده در ترکیب جنس و طبقه اجتماعی متفاوت است ($P < 0/05$) و در نتیجه در مورد این دسته از واژه‌ها، ترکیب جنس و طبقه اجتماعی با رفتار زبانی انتخاب واژه در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دبیرستانی تهران رابطه دارد. سیر نزولی کاربرد گونه گفتاری در نوشتار دختران و پسران بر حسب بالا رفتن طبقه، بر اساس نمودار (۲) حاکی از این است که کاربرد گونه‌های غیرمعتبر، از ویژگی طبقات پایین است.

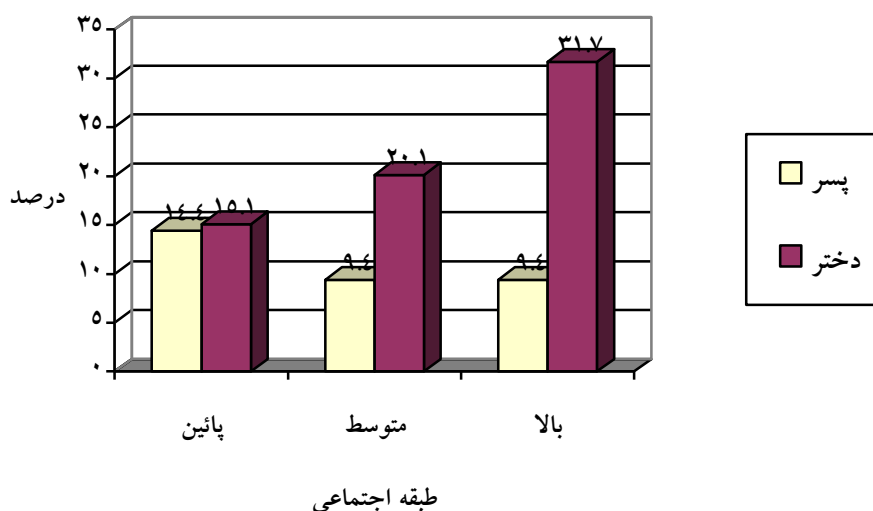
سایپر (۱۹۶۷) معتقد است که صورت‌های کوتاه شده زنانه، نشان‌دهنده پایین‌ترین بودن موقعیت زنان است. صورت‌های کاملتر مردانه، تشریفات و رسمیت را تداعی می‌کند. شاید به همین دلیل است که کاربرد بیشتر این ویژگی (گفتار در نوشتار) توسط دختران مشاهده می‌شود. نگارنده معتقد است؛ شاید، با لحاظ کردن اقداماتی در زمینه جنسیت‌زدگی در زبان، از طریق برنامه‌ریزی زبانی، تلاشی جهت رفع این نگرش صورت گیرد.

ضمیمه اول شخص مفرد: آزمون کای دو جهت مشخص شدن معنی دار بودن یا نبودن نتایج در ارتباط با این شاخص و نمودار آن در ادامه نشان داده شده است:

جدول ۳: نتایج آزمون کای دو برای مقایسه نسبت ضمیر اول شخص مفرد مورد استفاده بر حسب طبقه اجتماعی و جنسیت

	Value	درجه آزادی	P-Value
مقدار شاخص کای دو پیرسون	۷/۳۱۶	۲	۰/۰۲۶

نمودار ۳: درصد ضمیر اول شخص مفرد بر حسب طبقه اجتماعی و جنسیت



بر اساس نتایج آزمون در جدول (۳) برای کاربرد ضمیر اول شخص مفرد، درصد واژه‌های انتخاب شده در ترکیب جنس و طبقه اجتماعی متفاوت بوده ($P < 0/05$) و در نتیجه در مورد این دسته از واژه‌ها، ترکیب جنس و طبقه اجتماعی با رفتار زبانی انتخاب واژه در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دبیرستانی تهران رابطه دارد. بر اساس جدول و نمودار (۳) بیشترین درصد کاربرد ضمیر اول شخص مفرد به دختران طبقه بالا اختصاص دارد. درصد کاربرد این شاخص توسط پسران با بالا رفتن طبقه اجتماعی کمتر شده و یا تغییری نمی‌کند؛ در حالی که این میزان در مورد دختران با بالا رفتن طبقه افزایش می‌یابد؛ اما به طور کلی، در جدول (۳) کاربرد ضمیر اول شخص مفرد در طبقات بالای جامعه بیشتر به چشم می‌خورد. بر اساس یافته‌های برنشتاین (۱۹۷۵)، بیشتر آورده شد که در کاربرد گونه زبانی گسترش یافته فردیت دارای اهمیت خاصی است و این گونه زبانی در واقع وسیله‌ای برای پاسخ‌های فردی و شخصی است. به این دلیل به گونه‌های زبانی گسترش



یافته، گونه‌های شخص محور نیز گفته می‌شود. گویشور این گونه زبانی مقید به کاربرد مفاهیم با مهارت بیشتری بوده و آنها را به طور صریح و واضح بیان می‌کند. این گونه زبانی نشان می‌دهد که تجربه شخصی فرد با تجربه دیگران متفاوت است. به اعتقاد برنشتاین (۱۹۷۵)، گونه زبانی گسترش یافته بر ضمیر اول شخص مفرد (من) تأکید بیشتری دارد تا ضمیر اول شخص جمع (ما). بر این اساس، چنین به نظر می‌رسد که دلیل عدم افزایش و یا ثابت ماندن درصد کاربرد این شاخص توسط پسران این است که اساساً پسران اعتماد به نفس بیشتری داشته و توجه به فردیت و صراحت کلام آنان، هر چند متعلق به طبقه‌های اجتماعی متفاوتی هم باشند، حفظ می‌شود و حاکی از ارتقای فردیت و اقتدار آنها می‌باشد.

مجموع واژه‌های استفاده شده: براساس نمودار و جدول زیر به بررسی مجموع واژه‌های استفاده شده توسط آزمودنی‌ها می‌پردازیم.

جدول ۴: نتایج آزمون کای دو برای مقایسه نسبت واژه‌های مورد استفاده بر حسب طبقه اجتماعی و جنسیت

	Value	درجه آزادی	P-Value
مقدار شاخص کای دو پیرسون	۷۸/۳۲۴	۲	۰

نمودار ۴: درصد مجموع واژه‌ها بر حسب طبقه اجتماعی و جنسیت





بر اساس نتایج آزمون در جدول (۴) در مورد مجموع واژه‌ها، درصد این شاخص در ترکیب جنس و طبقه اجتماعی متفاوت بوده ($P < 0.05$) و در نتیجه در مورد ترکیب جنس و طبقه اجتماعی با رفتار زبانی انتخاب واژه در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دبیرستانی تهران رابطه معنادار دیده می‌شود. جدول و نمودار (۴) نشان می‌دهد که دختران وابسته به هر سه طبقه نسبت به پسران درصد بیشتری از واژگان را به رشته تحریر درآورده‌اند. در میان پسران نیز طبقات بالا بیشترین درصد تراکم واژگانی را به خود اختصاص داده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که تطویل نوشتاری در نوشتار دانش‌آموزان طبقات بالا، خصوصاً دختران بیشتر وجود دارد. شاید بتوان گفت که دانش‌آموزان وابسته به خانواده‌های طبقه بالا، به دلیل پایگاه اجتماعی خود و عدم وجود محدودیت‌ها و محرومیت‌های اجتماعی و فرهنگی و تفاوت شیوه‌های تربیتی و کنترلی والدین، عمدتاً دچار نارسایی‌های زبانی و شناختی نمی‌شوند؛ بلکه با کسب مهارت‌های ارتباطی و رفتاری قوی‌تر، اعتماد و اطمینان بیشتری نسبت به خود پیدا کرده و از ابراز عقاید خویش هراسی ندارند.

نتیجه‌گیری:

همان‌طور که از بررسی‌های بالا بر می‌آید، دختران متعلق به طبقه پایین بیش از سایرین از واژه‌های قرضی استفاده کرده‌اند؛ اما پسران طبقه بالا از دختران هم‌طبقه خود در کاربرد واژه‌های قرضی پیشی گرفته‌اند؛ بنابراین فرضیه نخست را مبنی بر این که کاربرد واژه‌های قرضی در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران در طبقات بالا بیشتر از پسران همان طبقه است، نمی‌توان پذیرفت.

از آنجایی که بر اساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر کاربرد گونه‌گفتاری در نوشتار دختران و پسران بر حسب بالا رفتن طبقه، کاهش می‌یابد، فرضیه دوم مورد تأیید است و این خود نشانگر این است که افراد وابسته به طبقات بالا، بیشتر نگران زبان نوشتاری خود هستند و به معیارسازی آن کمک می‌کنند.

در ارتباط با کاربرد ضمیر اول شخص مفرد در فرضیه سوم، نتایج حاکی از این است که در صد کاربرد این شاخص توسط پسران با بالا رفتن طبقه اجتماعی کمتر شده و یا تغییری نمی‌کند؛ در حالی که این میزان در مورد دختران با بالا رفتن طبقه افزایش می‌یابد و بیشترین درصد کاربرد ضمیر اول شخص مفرد به دختران طبقه بالا اختصاص دارد؛ اما به‌طور کلی، کاربرد ضمیر اول شخص مفرد در طبقات بالای جامعه بیشتر به چشم می‌خورد؛ با وجود این نمی‌توان گفت که کاربرد ضمیر اول شخص مفرد در نوشتار پسران طبقات بالا بیشتر از دختران همان طبقه است. بدین ترتیب فرضیه سوم نیز مردود است.

بر اساس آخرین فرضیه، ترکیب جنس و طبقه اجتماعی با مجموع واژه‌ها (تعداد واژه‌های مورد استفاده) در زبان نوشتاری دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران رابطه مستقیم دارد. نتایج پژوهش حاضر نیز این فرضیه را تأیید می‌کند. بر اساس نمودار مربوط به این شاخص، تعداد واژه‌های مورد استفاده توسط دختران طبقه بالا از سایر آزمودنی‌ها بیشتر است و دختران وابسته به هر سه طبقه نسبت به پسران درصد بیشتری از واژگان را به رشته تحریر درآورده‌اند. در میان پسران نیز طبقات بالا بیشترین درصد تراکم واژگانی را به خود اختصاص داده‌اند.



در یک نگاه کلی، چنین به نظر می‌رسد که الگوی ثابتی از رفتار زبانی، در میان طبقه‌های مختلف جامعه و نیز میان مردان و زنان دیده نمی‌شود. شاید این امر بدان دلیل باشد که عوامل اجتماعی و یا عوامل زبانی دیگری نیز در کنار دو متغیر مذکور، به صورت شبکه‌ای پیچیده بر شکل‌گیری رفتار زبانی تأثیر می‌گذارد. آنچه مسلم است این است که دختران و پسران در زبان نوشتاری خود رفتار متفاوتی را بروز می‌دهند که در برخی شرایط، طبقه اجتماعی که آن‌ها را از هم متمایز کرده، نیز بر این تفاوت‌های رفتاری بی‌تأثیر نیست.

فهرست منابع:

الف - فارسی:

- اخوان، محمدرضا. (۱۳۸۴)، بررسی مقایسه‌ای سبک گفتاری اداری در رابطه با ارباب رجوع در دو شعبه سازمان تأمین اجتماعی بر اساس متغیر طبقه اجتماعی و جنسیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۵۴)، مسائل زبان‌شناسی نوین، تهران، آگاه.
- جان نژاد، محسن. (۱۳۸۰)، زبان و جنسیت: پژوهش زبان‌شناختی اجتماعی، تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن، به راهنمایی دکتر علی افخمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- جهانگیری، نادر. (۱۳۷۸)، «گسترش زبان بر پایه‌ی طبقه‌ی اجتماعی در کودکان دبستانی، زبان: بازتاب زان، فرهنگ و اندیشه»، (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات آگاه.
- داوری اردکانی، نگار و عیار، عطیه، (۱۳۸۷)، «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت»، فصل‌نامه کتاب زنان، شماره ۴۲.
- رهبر، بهزاد. (۱۳۸۴)، بررسی تفاوت‌های گفتاری زنان و مردان در محیط‌های تک‌جنسی و مختلط بر اساس نظریه‌های تفاوت و تسلط. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۲)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- شاه‌ناصری، شادی. (۱۳۸۱)، بررسی هنجارهای واژگانی در تعاملات کلامی دختران نوجوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۸۷)، مبانی صرف، تهران، انتشارات سمت.
- شکبیا، نوشین. (۱۳۸۲)، تأثیر بافت اجتماعی کاربرد دشواژه‌ها توسط زنان و مردان تهرانی، به راهنمایی دکتر ویدا شقاقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- عاملی موسوی، بهناز. (۱۳۶۸)، گفتار مؤدبانه و جنسیت در فارسی تهران، به راهنمایی دکتر علی‌اشرف صادقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- عسگری، راحله. (۱۳۸۸)، بررسی سبک زبانی گزیده‌ای از کارکنان مشاغل مرتبط با فعالیت شرکت‌های هواپیمایی در



سطح شهر تهران بر اساس متغیرهای جنسیت، تحصیلات و رده شغلی، پایان نامه کارشناسی ارشد بانسنا سی هم گانی، دانشگاه آزاد اسلامی.

- عسگری، معصومه. (۱۳۷۵)، تفاوت های تلفظی زنان و مردان در فارسی تهرانی، به راهنمایی دکتر یحیی مدرس، پایان نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- علیجانی، اکرم. (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر طبقه اجتماعی بر واژگان زبان فارسی نوشتاری دانش آموزان دختر و پسر دبیرستانی در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی.

- کالوه، لویی ژان. (۱۳۷۹)، درآمدی بر زبانشناسی اجتماعی، ترجمه‌ی محمد جعفر پوینده، تهران، انتشارات نقش جهان. - کره‌ئی، شبنم. (۱۳۸۵)، قدرت در تعاملات مکالمه‌ای زنان و مردان فارسی زبان تهرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- کیقبادی امیری، کیانوش. (۱۳۸۵). بررسی واژه‌ها و عبارات زبان مخفی جوانان نگاهی صرفی-معنی شناختی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی.

- مدرس، یحیی. (۱۳۶۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- مدنی، راشین. (۱۳۷۸)، تفاوت های جنس در زبان فارسی تهران بر حسب طبقه اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

- مهدی پور، مرجان. (۱۳۷۸)، بررسی قدرت در گفتار زنان و مردان فارسی زبان، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- نقش تبریزی، نوشین (۱۳۸۱)، استفاده از تعارفات و ارتباط آن با جنسیت در زبان فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی.

ب- فهرست منابع انگلیسی:

- Bernstein, B.(1975): Class, Codes and Control. London and Boston:Routledge and Kegan Paul.
- Brown, P.(1980)" How and why are Women More Polite: Some Evidence from a Mayan Community". In S. Mc Connell. Ginet, R. Borker and N. Furman (eds). Women and Language in Literature and Society. New York: Praeger, pp. 111-136.
- Brown, S and Attardo, S.(2008). Understanding Language: Structure, Interaction, and Variation .The University of Michigan Press, pp. 164 - 169.
- Cameron, D. (1985). Feminism and Linguistic Theory. London: Macmilan.
- Carmen, Llama . (2011).' Sociolinguistics' in Simpson, James (eds.). The Routledge Handbook of Applied Linguistics. London & New York: Routledge Taylor & Francis Group.
- Donna Jo Napoli & Vera Lee- Schoenfeld.(2010). Language Matters: A Guide to Everyday Questions about Language. Oxford University Press.
- Fasold, R. (1984). The Sociolinguistics of Society. England: Basil Blackwell.
- Gordon, E. (1997). Sex, Speech and Stereo type: Why Women use Prestige Speech Forms more than Men? Language in Society.47-63
- Hass, M. (1964). Men's and Women's Speech in Koasati , in Dell Hymes (ed), Language in Culture and Society. Harper International Edition Pub.



- Jerguson, O. (1922). *Language: Its Nature, Development and Origin*, London: George Allen and Unwin.
- Labov, W. 1972. *Sociolinguistic Patterns*. University of Pennsylvania Press .
- ----- .(1966). *The Social Stratification of English in New York City*. Washington, DC: Center for applied linguistics.
- Lakoff, R. (1975). *Language and Woman's Place*. New York: Harper and Row.
- Lyons, J. (1968). *Introduction to Theoretical Linguistics*. London & New York: Cambridge University Press, p.200.
- Sadovnik, A. (2001). "*Basil Bernstein*" UNESCO, International Bureau of Education, Paris; Vol.XXXI, No.4,pp. 687-703.
- Sapir, E.(1967). Male and Female Forms of Speech in Yana, *Language*, 5,207-14. Also in Mandelbaum, David (ed). *Selected writings of Edward Sapir in Language, Culture and Personality*.Berkeley: CA University of California Press.
- Smith, P. (1985). *Language,The Sexes and Society*. Oxford: Blackwell.
- Spolsky, B. (1998).*Sociolinguistics*.Oxford University Press.PP.38.
- Tannen, D. (1995)."*The Power of Talk: Who Gets Heard and Why*", *Harvard Business Review*, September, v 73, n5, pp. 138-148.
- Trudgill, P. (1972). "Sex, Covert Prestige and Linguistic Change in the Urban British English of Norwich", *Language in Society*, 1,179-95.
- ----- .(1974). *The social differentiation of English in Norwich*. Cambridge University Press.
- Wardhaugh, R. (2006). *An Introduction to Sociolinguistics* (5th ed.), :Blackwell Publishing.. Oxford
- Wolfram, W. (1969),*A Sociolinguistic Description de Trait of Detrait Negro Speech*. Washington, DC: Center for applied linguistics.